

ایران در آیین جهان

(۹)

ترجمه کیکائوس جهاننداری
از کتاب لوئی هوو

گورستان B در سلیک

بر اثر حفاری در سلیک دو گورستان بدست آمد در دوست و پنجا متری جنوب تپه که آنرا به نام B, A نام گذاری کرده اند. در اولین گورستان یعنی B با تقریباً ۱۵ گور، از اشیاء مورد مصرف و تزئینی قطعاتی کشف شده از سفال یک رنگ آن هم با رنگ خاکستری تند که می توان آنها را متعلق به اواخر دوره مفرغ دانست. هیچ مجوزی در دست نیست که این کشفیات را متعلق به دوره قبل از آن یعنی سلیک چهارم بشماریم. از اینها گذشته بین این دو مرحله شکاف و فاصله عمیقی است که تاکنون نتوانسته اند آنرا به نحوی رضایت بخش توجیه کنند. به همین ترتیب رابطه بین این سفال خاکستری تیره رنگ و سفال دیگری از همین نوع که متعلق به مرحله سوم تپه حصار C است هنوز روشن نشده است.

گورستان دوم یعنی B به هیچ وجه ارتباطی با گورستان اول نداشته است. از حفاریها چنین برآمده «که هیچ ارتباطی بین تمدن گورستان B با تمدن گورستان A موجود نیست»^۱. نحوه تدفین در قیاس با گورستان A به نحوی بارز تغییر کرده است و این خود مبین آن است که ساکنین این دوره اهالی قبلی نبوده اند. در گورستان B که در کنار شهر قرار دارد تقریباً دوست گور مورد مطالعه قرار گرفته است. در ابتدای امر این گورها در سطح زمین قرار داشته اما در طول قرون با فرو نشستن خاک پایین تر رفته است. دیواره های قبور را برعکس قبور لرستان هرگز سنگ چین نکرده اند و این معیار خوبی است برای تعیین تاریخ این قبور. اجساد را با اشیاء بسیار بخل می شیریمند و آنگاه روی آنها خاک می ریخته اند. در روی هر گور توده ای از خاک می انباشته اند و بعد سنگ روی آن می گذارند و با سورتی که دارای نوکی تیز می شده است. این خود ما را به یاد خانه هایی در شمال می اندازد که بامهائی دوپوشه و نوک تیز دارد^۲. گیرشمن دوست و هجده گور را پیش کرد و از آن میان فقط هفتاد و یک گور دست نخورده بود.

از گورستان g بیش از هر چیز سفال بدست آمد. متلاً گزارش حفاری از گور شماره ۱۵ چنین حاکی است: « ۲۷ کوزه، جام، بشقاب، مشربه که از آن میان هفت کاسه با لوله هایی به شکل منقار بوده است. مسؤول حفاری از این گزارش چنین نتیجه می گیرد: خیلی امکان دارد که این سفالهای زیاد فقط متعلق به جسد نبوده است. شاید اعضای خانواده و دوستان که در جریان تدفین شرکت می کردند به سهم خود ظروفی به همراه می آوردند که آنها را نیز پهلوی جسد می گذارده اند. مراسم عزاداری محتملاً عبارت بوده است از

۱ - برای وصف قبور رجوع شود به :

Ghirshman, Fouilles de Sialk, vol. II, pp. 26-27.

۲ - برای وصف قبور رجوع شود به اثر فوق، جلد دوم، صفحه ۲۹.



ظرف آب یا لوله‌ای
بشکل منقار از گورستان
ب سیلک قرن دهم هجری
قبل از میلاد مسیح تصویر
راست تقلیدی از گل‌پخته
تصویر چپ شینی فلزی
موزه لوور

باده گساری و صرف غذای دسته‌جمعی . در جوار اشیاء گرانبهایی که خیلی خوب مانده است و بدون شك دارای ارزش هنری بسیار است مقداری اشیاء پست‌تر و مستعمل نیز هست و این گویا به همان علت تشریفات خاص عزاداری باشد که ذکر شد . کوزه بزرگ نقش‌داری که لوله‌ای به شکل منقار دارد از این نظر بسیار شایسته توجه است . چنین کوزه‌ای چندان شکننده و ظریف است که به کار استفاده روزانه نمی‌خورده است و گویا فقط در مراسم رسمی و اعیاد مورد استفاده قرار گرفته است . ظاهراً این گونه اشیاء را بدقت از اشیاء فلزی تقلید می‌کرده‌اند و حتی جای میخ‌پرچ را هم که در سفال موردی نداشته است عیناً مورد تقلید قرار داده‌اند . شکل این ظروف تقلید از پرندگان است و تزیینات آن نیز تائیدی بر این مدعا است : لوله منقار شکل اغلب از خطوط مضرس که یادآور پرندگان است احاطه شده است ؛ اغلب تصویر چشم و اکثر آن مثلث‌هایی کوچک به شکل شانه در روی شکم ظرف به چشم می‌خورد و این نقش‌های تزیینی برنگ سرخ تیره است بر زمینه‌ای روشن . گاه این نقوش ، تقلیدی و نشانه‌ای از حیوانات است و گاه کاملاً نقوش هندسی است مثل مربع‌های شطرنجی ، دایره‌هایی با چلیپا و گل سرخ . گاه دیده شده است که بر روی یک گلدان نقوش هندسی و نقش گل و حیوان را در جوار یکدیگر تصویر کرده‌اند . نقش حیوانات خیالی یا واقعی بیشتر از تصاویر انسان دیده شده بطوری که فقط بروی سه ظرف تصویر انسان دیده می‌شود . در گورستان B اغلب آنان را با سلاحهای خود و حتی کلاه و لباسهای تنگ و چسبان دفن کرده‌اند .

گورستان B سیلک را متعلق به ابتدای هزاره اول می‌دانند و آنرا با ورود طوایف ایرانی که در آن هنگام در نجد ها مقیم می‌شدند مرتبط می‌شمارند . گیرشمن تاریخ این گورستان را بین قرن دهم و نهم قبل از میلاد مسیح یا ابتدای قرن هشتم می‌دانند^۴ و بر این ادعا مطالعات خود را که از جمیعها کرده دلیل می‌گیرد . آنها که در موضع گورستان B ساکن بوده‌اند بطور اساسی از اسلاف خود تفاوت داشته‌اند و این ادعا با تفاوتی که در طرز تدفین مشاهده می‌شود به صورت غیر مستقیم تأیید میگردد . در جنوبی‌ترین قسمت مسقنای به سطح تقریبی ۲۵۰۰ متر مربع یافته شد . بر این تپه مصنوعی مسلماً خانه فرمانروا قرار داشته و بر ناحیه دامنه

۳ - برای وصف قبور رجوع شود به اثر فوق ، جلد دوم ، صفحه ۹۵ .



ظرف نقش دار از گورستان
ب سیلک قرن دهم تا نهم
قبل از میلاد مسیح -
موزه لوور .

کوه مسلط بوده است . از این حقیقت می توان به شرایط اجتماعی تازه ای پی برد و موقف کسانی را که از خارج آمده بودند حدس زد . شهری که در مجاورت این گورستان قرار داشته دفعه^۴ ویران شده و علائم حیات از این ناحیه محو گردیده است . احتمال دارد که این سرزمین در قرن هشتم به دست سپاهیان آسوری بر افتاده باشد .

حسלו

ناحیه حسلو در آذربایجان در دره سلدوز یعنی در جنوب غربی دریای ارومیه قرار دارد . در سال ۱۹۳۶ به حفاری در آنجا آغاز کردند و آنگاه کار از طرف هیأت علمی امریکائی موزه فیلادلفیا زیر نظر ر . دیسون (R. Dyson) باز از سر گرفته شد . حصار حسلو را به قوم مانائی که از مراجع آسوری به وجود آنها پی برده ایم منسوب می دانند . مانائیها اخلاف خوری های هزاره دوم بودند . آسوریها در وقایع ناممهای خود نام سرزمین مانا را ذکر کرده اند . همچنین در کتیبه های اورارتوئی مربوط به اوایل قرن هشتم نام مانائیها ذکر شده است . احتمال دارد که در این زمان حصار حسلو ویران شده باشد . حسلو شهر کوچکی است که حصار بر آن مسلط است . این حصار دارای دیوارهای مستحکم بوده که پناهگاه اهالی محسوب می شده است . خانه های مسکونی همچنین گورستان در خارج حصار که دیوارهایش سخت با مهارت است قرار دارند . دیوار حصار نه متر ارتفاع و سه متر قطر دارد و در آن دروازه هایی برای حمله کردن به محاصره کنندگان تعبیه کرده اند . دوساختمان از زیر خاک بیرون آورده شده است . در این بناها تالارهای ستون داری است که فقط پایه ستونهای آنها برجا مانده است . بین این دوساختمان بنای کوچکتری نیز هست موسوم به «مرواریدخانه» و «خانه جنوبی» . در مجاورت دوساختمان بزرگ یک جام طلا و پیاله ای از نقره و مخلوطی از زر و سیم کشف شد . جام طلا در زیر استخوانهای مردی به دست آمد که به احتمال خیلی زیاد در حین فرار آنرا با خود می برده است . این جام به علت دقت فراوان و خصوصیاتی که درترین آن به کار رفته اهمیت بسیار دارد و تمام سطح آن با تصاویر اساطیری پوشیده شده است . در بالای جام سه

۴ - تاریخ تقریبی انهدام حصار در مجله زیر منتشر شده است .



ظرفی بالوهای بشکل منقار .

رب النوع برارابه‌ای ایستاده‌اند . دوتن از این سه رب النوع را يك استر و دیگری را يك گاونر می‌کشد . پیشاپیش همه آنها کاهنی با پیاله‌ای در دست ایستاده است . در پشت اینان دو خدمتگزار کوفسندی را به همراه خود می‌آورند . این سه رب النوع به ظاهر خداوندان زمین ، خورشید و تغییرات جوی هستند . ارباب رب النوع اخیر را يك گاو که جنبه‌ای رمزی و کنایه‌ای دارد می‌کشد . در باین جام صحنه نبرد اسرار آمیزی تصویر شده . شخصی که در هر دست سیر کاملاً کوچکی را نگاه داشته با هیولائی که نیمی انسان و نیمی گاو است زور آزمائی می‌کند . گاو به صورت سگ سه سری پایان می‌یابد . این صحنه با صحنه بالا مربوط است و آنهم توسط آبی که از دهان گاو بروی هیولا فرو می‌ریزد . در طرف چپ صحنه پیکار ، يك نفر کودکی را به رب النوع نشسته‌ای نشان می‌دهد . در فاصله‌ای کم يك الهه سوری روپوش خود را باز می‌کند تا خود را برهنه بنمایاند . احتمال دارد که این يك افسانه تجسم یافته خوری باشد . مضمون این افسانه به صورت حثی به دست ما رسیده است و این مطلب نباید موجب حیرت شود زیرا آیین مذهبی حثیان و خوریان درهم آمیخته است . بدین طریق امکان دارد که بسیاری از متون حثی فقط صورت تغییر یافته صحنه های خوری باشد . پس این جام حسنلو می‌تواند ما را به یاد افسانه کوماری بیندازد . کوماری که پدر خدایان است از جانب جنوب و رب النوع باد و توفان مورد تهدید قرار گرفت . کوماری برای دفاع از خود صخره‌ای را یاردار کرد و پهلوئی بنام اولی کومی به وجود آمد . ارباب انواع مادر به فارغ شدن صخره بازی گردند و کودک را بر زانوی پدر نشانند . حال دیگر کوماری امیدوار است که این پسر صخره رب النوع باد و توفان را سرکوب کند . این کودک هیولا به شتاب تمام رشد می‌کند ، از دریا سر بر می‌آورد و خدای باد و توفان را به پیکار می‌طلبد . در بدو امر خدای باد و توفان منکوب می‌شود . اما آنگاه اِ آ (E a) خدای سومری آب شیرین و جادو به کمک او می‌شتابد و در يك جنگ دوم پیروزی نصیب وی می‌گردد^۵ . چنین به نظر می‌آید که صحنه‌ای که بر جام حسنلو نقش شده صورت خوری افسانه کروئوس^۶ را توصیف می‌کند . کوشیده‌اند که این اثر عظیم هنری را با جامهای طلایی که این اواخر در استانهای ساحلی دریای خزر و بخصوص مارلیک^۷ کشف شده و از آن گذشته با جام قدیم تر کلاردشت (مازندران) که در سال ۱۹۳۴ تصادفاً یافته شد مربوط کنند^۸ . همان‌طور که قبلاً گفته شد جام مخلوط نقره و سیم و زری هم از حسنلو بدست آمده است . جالب توجه‌ترین منظره‌ای که بر آن نقش است داستان يك پیروزی را بازگویی کند . برارابه‌ای دوفتر نمایانده شده‌اند ، یکی از آنها اسبهارا مهار می‌کند در حالی که دیگری با کمان به پشترو

کرده دشمن را هدف قرار داده است . این صحنه و همچنین ترکیب اجزاء آن درست مانند آثاری است که از آسور به دست آمده است . سایر اشیائی که به دست آمده عبارت است از کاشی‌های لعاب دار ، یکی از آنها دارای نقش حیوانی است که سری شبیه به انسان دارد . از آن گذشته دسته جاقوئی با طلاکاری و سایر چیزهای دیگر به دست آمده است .

سفالها خاکستری است با تغییراتی برنگ قرمز و سیاه چنانکه آنها را با سفالهای خورویین می‌توان مقایسه کرد . رابطه این سفالها با سفالهای خاکستری قدیمتر شمال ایران هنوز حل نشده است . شاید این سفالها تحت تأثیر نمونه‌های خیلی قدیمتر فلزی تهیه شده باشند . نوع سفالهای سیاه خیلی نازک است و تاکنون فقط از انواع آن درخانه‌ها یافته شده است در حالی که سفالهای خاکستری تنها درگورها بدست آمده است . این سفالهای خاکستری از نظر زیبایی چندان مهم نیست و جدار ضخیم‌تری هم دارد .

مراحل مختلف سفال حسنلورا به کمک کربن چهارده معلوم ساخته اند . دوره سفالهای خاکستری تقریباً از اوایل هزاره قبل از میلاد آغاز می‌گردد اما تاریخ پایان دوره آنرا به دقت نتوانسته‌اند معلوم کنند و احتمال دارد که قرن هشتم قبل از میلاد ساختن این سفال پایان یافته باشد.

۵ - افسانه کوماریس توسط هانس گوستاو گوتربک (Hans Gustav Güterbock) منتشر شده

است تحت عنوان :

Kumarbi, Mythen vom churritischen Kronos aus den hethitischen Fragmenten zusammen gestellt, übersetzt und erklärt 1964 (Istanbuler Schriften, 16), Zurich-New York, Europa erlag, 1946.

۶ - Kronos در افسانه‌های یونانی کوچکترین پسر اورانوس و گه آ بوده . چون پیش‌گوئی کرده بودند که فرزندش او را برکنار خواهد کرد تمام فرزندان خود را باستثنای زئوس بلعید . ولی همین زئوس بود که سرانجام پادشاهی را از او گرفت . (مترجم)

v - E. O. Nagahban, The wonderful Gold Treasure of Marlik : Illustrated London News, April 28, 1962.

راست : زاویه دیگر از تصویر صفحه قبل . چپ : گانه‌ای با نقش پلنگ و گیاهان - تپه سبک - هزاره چهارم قبل از میلاد .

